اصلی ست واین یک روایت از حضرت امام اعظم رحمة الله علیه و روایت دیگر از
امام صاحب وآن مذهب صاحبین و جمهور علما ست که انتهای وقت ظهر تا یک مثل
سایه هر چیز سوای سایه اصلی ست سوم وقت عصر وآن از ختم ظهر بر هر دو قول
تا غروب آفتاب چهارم وقت مغرب وآن از غروب آفتاب تا شفق
سرخ پنجم وقت عشا وآن از غروب شفق سرخ بر قول مفتی به تا نیم شب
ونزد امام اعظم تا صبح با کراهت تحریمی دوم از فریضه بیرونی پاکی جای نماز
سوم پاک بودن پارچه نمازگذار چهارم پاک بودن بدن مصلی از نجاست پنجم
پوشیدن ستر عورت وآن برای مرد از ناف تا زیر زانو ست و برای زن - زن
ستر همه بدن سوای رو و کفهای دست و هر دو قدم و برای کنیز از پشت
و شکم تا زیر زانو ششم قبله رو بودن هفتم نیت نماز

بیان فرضهای اندرونی

یکی از آن تکبیر تحریمه ست دوم قیام سوم قرات چهارم رکوع پنجم
دو سجده ششم آخری قعده هفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام اعظم رح

و واجبات و سنن و مستحبات نماز بر تو در ترتیب نماز هویدا خواهد شد انشاء الله تعالی۔

سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض است پس باید که پاکی و پلیدی را بشناسد پس بدانکه نجاست دو قسم است نجاست غلیظه و نجاست خفیفه غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و ودی و مذی و چرکین آدمی است و پس افگنده جانوران حرام گوشت و پیخال بط و ماکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد و لعاب و تری خوک و سگ و فیل نجاست است خفیفه پیخال و بول جانوران است که خوردن لحم شان جائز است پس از نجاست خفیفه اگر چهارم عضوی از عضوهای بدن یا چیزی از چیزهای پارچه آلوده شود پلید است نماز با آن جائز نیست و اگر ازین مقدار کم است نماز جائز است و از نجاست غلیظه بقدر درم در غیر آب عفو است نجاستها از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن آن مقداری که عین او زائل شود کافی است و اگر غیر مرئی باشد پارچه را سه بار شستن و سه بار فشردن پاک کند آب هر دو قسم است جاری و غیر جاری

جاری هردو گونه است اندک و بسیار آب اندک از آلودن نجاست مطلقاً
ناپاک شود آب بسیار و آن آبیکه ده ذراع در عرض و ده ذراع در طول باشد
از آلودن نجاست بمقدار یکه صفتی از صفات سه گانه او را که رنگ و مزه و بوست
متغیر گرداند ناپاک شود والا آب جاری بآلودن ناپاکی ناپاک نشود و در بیجا
تفاصیل بسیار است محلش مبسوطات فقیهه اند —

سبق پنجم در بیان وضو

اول آنکه وضو کرده شود که بے وضو نماز و سجده و مس قرآن مجید جائز
نیست پس باید که نیت یعنی ارادهٔ وضو کرده بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝ قُلْ رَّبِّ اَعُوْذُبِكَ
شروع ساتھ اللہ کے نام کے جو نہایت مہربان رحم والا — کہہ ای رب میرے پناہ مانگتا ہون مین تیری

مِنْ هَمَزٰتِ الشَّیٰطِیْنِ وَاَعُوْذُبِكَ رَبِّ اَنْ یَّحْضُرُوْنِ
ساتھ وسواسون شیطانون سے اور پناہ مانگتا ہون مین ساتھ تیری ای رب میرے اس سے کہ حاضر ہوویں

بعده از آب پاک هردو دست تا بند دست بشوید سه بار بعده مضمضه و غرغره کند

سه بار و مسواک کند و در بینی آب از دست راست اندازد و از انگشت خنصر
چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندازد سه بار و بشوید از کناره موی سر
تا زیر ذقن و تا هردو گوش دست‌ها مع آرنج سه بار بشوید و دلک هم کند و آب در
کف دست گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد اولا از دست راست بعده از دست
چپ یک مرتبه مسح تمام سر کند یعنی هردو کف دست را از آب تر کرده سر خنصر
و بنصر و وسطی هردو دست را متصل کرده از جبین بر کاسه سر تا بن گردن
کشد که سر انگشتان بر فرق سر گذرند پس سبابها در درون هردو گوش گذارد
و از سر انگشتان پشت گوشها مالد و گردن را به پشت انگشتان مسح کند از راست
جانب راست و از چپ سمت چپ و هردو پا مع شتالنگ بشوید چنانچه بار آب برسد
و از خنصر چپ خلال انگشتان پا کند که شروعش از انگشت خرد پای راست باشد و خنصر را از
زیر قدم بالا آورد بعده همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل
پی در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبله رو نشسته وضو کردن
مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان کردن

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن

گواہی دیتا ہوں میں یہ کہ نہیں کوئی معبود لائق عبادت کے مگر اللہ کہ اکیلا ہے کوئی اوسکا شریک نہیں اور گواہی دیتا ہوں میں یہ کہ

محمداً عبده ورسوله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من

محمد بندہ اور رسول اوسکے ہیں ای اللہ کر دی مجکو توبہ کرنیوالون سے اور کر دی مجکو

المتطهرين سبحانك اللهم وبحمدك واستغفرك وأتوب إليك

پاکیزہ لوگون ظاہر و باطن پاک ہے تو ای اللہ ہمارا اور شریک اور ساتھ تعریف تیری کے بخشش مانگتا ہون تجھسے اور تیری طرف

سبق ششدہم

چون تیمم قایم مقام وضو وہم غسل است و وقتها باشد که بضرورت می افتد مختصرش به بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در چاه موجود است اما برآوردنش ممکن نیست تیمم کند یا بخوف جان و تشنگی باشد تیمم کند و در صحرا اگر آب چندان بجستجو کند که وقت نماز نرود اگر احتمال فوت باشد تیمم کند اگر در مرض خوف زیادتی مرض است یا زیادتی تکلیف تیمم جایز است و طریق آن این است اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

باید کرد و در هر دو صورت اگر نیت طهارت از حدث لاحق با حل نماز کند هم کافی ست

بعده بر سنگ یا بر خاک یا بر هر چیز که از جنس خاک باشد هر دو دست یکبار زده بر

روی خود مالد چنانکه از آب در وضو میشوید که جای خالی نماند بار دگر دستها

زده خنصر و بنصر و وسطے راست را با کف دست بر پشت دست چپ از ناخن تا آرنج ۵۱

بمالد که جای خالی نماند و سبابه و نر انگشت را علیحده دارد اکنون دست چپ را بگرداند و از نر

انگشت راست و سبابه حلقه زده جانب دیگر باز بر آرد تا سر انگشتان چپ بهمان

طوریکه جائی خالی نماند چنانکه در وضو ست باز از دست چپ دست راست را

بدین صورت بمالد و مسح انگشتان هر دو دست کند یعنی انگشتان یکدگر را اندرون

اندازد و بس این دو ضرب ست در تیمم و برائی وضو و غسل صورت یکیست

الا نیت و از یک تیمم مثل وضو چند نماز جائز اند تا شکسته نشود و شکننده وضو و تیمم یکی ست ۵۲

یعنے انچه وضو را شکند تیمم را نیز شکند و نیز تیمم را قدرت بر آب هم می شکند

سبق هفتم شکننده هائی وضو

براز و بول و ریح هر قدر که بر آید وضو را می شکند و باختلاف یکی شکننده وضو آن ست

۵۱ لیکن این همه ترتیب از طریق مستحب است فرض همین قدر است که از سر انگشتان هر دو دست تا آرنجها جای خالی نماند بهر طوریکه باشد ۱۲۱۳

۵۲ نیت وضو بالا گذشت ۱۲۱۳

که وقت وضو هر قدر یکی از عضوهای وضو جای خالی ماند و خون و ریم که بر جلد بدن
برآمده از جای خود حرکت کرده باشد وقی پر دهن و خفتن و غنودن تکیه زده اما خفتن در
قیام نماز و در رکوع و سجده وضو را نمی شکند و هر چیز که موجب غسل ست شکننده
وضو ست و مذی و ودی و منی که برآید و جنون و بیهوشی همه ناقض وضو اند اما
گذشتن مدت مسح بر موزه وضو را نمی شکند بلکه شستن پاها را واجب میکند

سبق هشتم در اذان واقامت

یکی از سنن موکده اذان ست که در صحرا و بیرون شهر و در مسجد بالخصوص برای
فرض و در خانه شهر اگر بگفته شود باکی نیست اذان چیست بانگی ست بالفاظ مخصوص
که مومنان برای جماعت نماز آگاه شوند چون وقت نماز می آمد حضرت بلال رضی الله عنه
اذان میگفت که پسندیده باری تعالی بود مومنان بر وقت نماز مطلع شده در مسجد شریف
حاضر می آمدند و با آن حضرت صلعم نماز میگذاردند که در اصل نماز با جماعت سنت ست پس اذان آن ست

اَللّٰهُ اَکبَر اَللّٰهُ اَکبَر اَللّٰهُ اَکبَر اَللّٰهُ اَکبَر

اللہ سب سے بڑا ہے — اللہ بہت بڑا ہے — اللہ سب سے بڑا ہے — اللہ بہت بڑا ہے۔

چہار بار پس أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ دو بار پس أَشْهَدُ

گواہی دیتا ہوں میں کہ نہیں کوئی معبود مگر اللہ — گواہی دیتا ہوں

أَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ دو بار پس حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ دو دفعہ پس

کہ تحقیق محمد صلعم رسول اللہ کے ہیں — آؤ نماز پڑھنی کو

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ دو بار اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ اما این در

آؤ بھلائی پر — نماز بہتر ہے نیند سے

وقت صبح گفتہ شود نہ در وقت دیگر اَللّٰهُ أَكْبَرُ دو دفعہ پستر

اللہ سب سے بڑا ہے

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ یکبار تمام شد مؤذن وقت اذان سبابہای خود در

نہیں کوئی معبود مگر اللہ

سوراخ ہائے ہر دو گوش دارد و شنوندہ را باید کہ ہرچہ مؤذن گوید

این ہم گویان باشد اما بر حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ

آؤ نماز پڑھنی کو — آؤ بھلائی پر

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ

نہیں پھرنا گناہ سے اور قوت عبادت پر مگر ساتھ مدد اللہ کے

گوید آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمودہ کہ گردنہای مؤذنان از ہمہ

بلند خواہد بود پس شنونده ازین بهره محروم نماند بعد ختم اذان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ

اے اللہ اے رب اس پوری پکار کے اور اے رب اس نماز قایم کے دے سردار ہمارے محمد صلعم کو وسیلہ

وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَنِ الَّذِيْ

اور بزرگی سب پر اور درجہ بلند اور بھیج اونکو مقام محمود مین کہ جسکا تونے

وَعَدْتَّهٗ وَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ۱۱

وعدہ فرمایا ہے اور نصیب کر ہمکو شفاعت اونکی قیامت کے دن تحقیق تو نہین بدلتا وعدہ کو

و هر چه خواهد دعا کند که وقت قبول است بعد اذان برای اقامت جماعت اینقدر

توقف باید که چهار گانه گذارده شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد

اکنون امام بجای خود قایم شود و موذن اقامت گوید یعنے تکبیر شروع

کند و الا هر مقتدی نیکه بر دست راست امام باشد اولی است و چون تکبیر

گفته شود برای نماز مقتدیان صف کشنده و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة

گفته شود امام نیت نماز کند و اقامت همچون اذان است مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ط حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ط قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ
قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ دو بار گفته شود اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ نباید
گفت وچون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ گفته شود شنونده گوید اَقَامَهَا اللّٰهُ
وَاَدَامَهَا ط و بر الفاظ های دیگر هیچ نگوید و موذن و مکبر لفظ الله را دراز
دراز کند اما اکبر را نکشد و در برابر کردن[۵۱] صفوف ها اهتمام نماید و آنها را کج
نباید داشت مقدم در صفها مردان اند ایستاده شوند بعده طفلان
پس ازان خنثی و عنین پسترین زنان چون امام تکبیر تحریمه گوید مقتدیان
اقتدا اینش و در نزدیک امام و سه مقتدی جماعت است اگر یک مقتدی باشد
بر سمت راست امام برابرش ایستد بچیزی پسین از جماعت شخصی امام باشد
که قرآن از همه بهتر خواند و مسائل نیکو تر داند و اگر شخصی امام شود که قرآن
و مسائل نیدان داند که ازانها نماز جائز باشد هم رواست

سبق نهم در بیان صفت نماز

نماز بر هر مومن عاقل[۵۲] بالغ[۵۳] فرض است هر که انکارش کند کافر است و هم اگر

۵۱ آن حضرت صلعم تاکید فرموده‌اند

۵۲ یعنی دیوانه نباشد و کاروبار دنیا و خرید فروخت بوقت و نقصان تواند کرد ۱۲

۵۳ بالغ یعنی درخواب ضرورت غسل افتد

بقصد و استبعاد تا سه روز ترکش نماید کافر گردد هیچ فرضے نیست که تارکش کافر گردد
الا نماز بفرموده مقبول حضرت رسول صلعم مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ مُتَعَمِّدًا
فَقَدْ كَفَرَ و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم
گیر چنانچه باری تعالی فرماید اَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ پس قایم کردنش همین که پنجوقته
برغبت دل و با انکسار تمام باوقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به
هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قفا
گذارد و در صحت و مرض و در سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذاشتنی نیست
و نماز را بران طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد اذان اقامت
ایستاده شود بهر دو قدمها و هر دو پا را برابر دارد به تفاوت چهار انگشت و نیت کند
نیت میکنم برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر وغیره
پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر
دو دست تا نرمه گوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی اَللّٰهُ اَكْبَرُ گویان زیر ناف
بندد چنانکه دست چپ زیر دست راست باشد و از خنصر و بنصر انگشت را

نزد امام اعظم رحمة الله علیه

نیت و تکبیر تحریمه فرض است ۱۲

حلقه زند و زن وقت نیت هر دو دست تا دوش برداشته بر سینه بندد
این چیست از همه کار ظاهری و باطنی دست برداشتن و دل بکارش آمیختن است
و همین گفتن که خداوندا تو از همه بزرگ و برتر هستی و من بنده حقیر دست پیش تو
آمده ام و بر کسی و بر هیچ جانب نظر نه اندازد و التفات نکند و بر جای سجده
نظر دارد و بعجز و فروتنی ایستاده باشد بدین طور ایستادن چیست
پیش شهنشاه حاضر شده عرض معافی هست از تقصیر و گناه خود بدین سبب
در ابتدای قیام تسبیح گفته میشود آنرا ثنا گویند الفاظ آن این ست

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ

تو بڑائی اور بہت پاکی ہے تیری اے اللہ اور ساتھ تعریف تیری کے جو کسیکو نہیں لگتی اور بزرگ ہے نام تیرا اور بلند ہے مرتبہ تیرا

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ ۝ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ

اور نہیں کوئی معبود سوا تیرے — پناہ مانگتا ہون مین ساتھ اللہ جلشانہ کے — شیطان

الرَّجِيْمِ ۝ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

نکالے ہوئے سے — شروع کرتا ہون مین ساتھ نام اللہ کے جو بڑا مہربان نہایت رحم والا

ف در اینجا تفصیل هست مسئله شافعی اختلاف کرده ۱۲
ف مستحب است و از آداب است
ف واجب است
ف شروع التفات است ۱۲

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ مَالِكِ

سب تعریف اللہ کو ہی جو صاحب ہے سب جہان کا   بڑا مہربان نہایت رحم والا   مالک انصاف کے

يَوْمِ الدِّيْنِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۝ اِهْدِنَا

دن کا   تجھی کو ہم عبادت کرتے ہین   اور تجھی سے مدد چاہتے ہین ہم   دکھادے ہمکو

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راہ سیدھی   راہ اون کے   جن پر تو نے احسان کیا اور مت دکھا راہ اونکا

غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ ۝ آمِيْن ۝

کہ جسکے چلنے والو نپر غضب ہوتا   اور نہ گمراہون کا راستہ دکھا ایسا ہی ہووے   ای اللہ

آمین مخفی گوید و بروقت خواندنش دل بر معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات

اولی فرض یک آیۂ کلان یا سہ آیۂ خورد آمیزد یعنی اول سورۂ فاتحہ و بعدش

سورۂ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز

سنت و نفل در ہمہ رکعات آمیزیدن واجب ہست چون از بہترین سورتہای خورد

سورۂ اخلاص ہست لہذا درینجا نوشتہ می آید سورۂ اخلاص

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۝ اَللّٰهُ الصَّمَدُ ۝

کہہ دو ای محمد صلعم کہ اللہ   ایک ہے   اللہ بے نیاز ہے

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ كُفُوًا اَحَدٌ ٥ | فرض است

نہ اوسنے جنا - اور نہ وہ جنا گیا — اور نہیں اوسکے جوڑ کا کوئی | سنت است

یا چہ سہ دیگر از سورہ یا آیت آمیزد اما کم از مقدار مذکورہ نباشد پس برکوع کند | سنت است

یعنے اللّٰہ اکبر گویان سر فرود آرد چندانکہ سر و پشت برابر یکدیگر باشد و

کمر چون تختہ باشد و با ہر دو دست زانو را محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و سہ بار | واجب است یکبار واجب

خفیہ خواند سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ این از بالا افتادن چیست

(پاکی ہے رب میرے کو جو بڑا ہے)

بدان کہ چون مدعا صورت اجابت گرفت داعی بخواہش زود

قبولیت اظہار عجز کرد و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پروردگار

برتری و پاک از ہمہ بدی اگر سُبْحَان در نفل زیادہ از سہ بحساب طاق | سنت است

خواند بہتر است پس سَمِعَ اللّٰہُ لِمَنْ حَمِدَہٗ بطور مذکور گفتہ قومہ کند یعنے | مسنون است

(سن لی اللہ نے تعریف اپنی جو کرے اوسکے واسطے ہے)

از رکوع برخاستہ قایم شود و دستہا گذارد و چون امام سمع اللہ گوید مقتدی | مستحب است

و ہمچنین منفرد بعد سمع اللہ خود رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ خواند و اگر

حَمْدًا كَثِيْرًا طَيِّبًا مُّبَارَكًا فِيْهِ بعد ربنا لک الحمد بیفزاید

هم خوب است واگر امام هم این تحمید را گوید نزد بسیاری از علما مستحب است
چون بلندی درجه هویدا شد داعی حیران شده سر برداشت که خواب است
یا بیداری کجا من بندهٔ هیچکاره وکجا این درجهٔ مقربانه و بعد وقفه چو این تیقن شد
[12] [illegible]
بر زبان خود کلمات شکر و دعا همی راند و چون اینجا درجهٔ قبولیت پیدا یافت
سر شکرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجده و چنان رود که
اول هر دو زانو بر زمین رسند و باز هر دو کف دست باز سر در میان هر دو دست
نهد که جبین و بینی هر دو قرار گیرند نظر بر بینی افتد و انگشتان قبله رو باشند
[13] [illegible]
و بازوها و شکم از فخذین و زمین علیحده باشند و زن این هر سه عضو را
[14] [illegible]
چسپانده و خواند سه بار خفیه[15] سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ گویا بزبان
پاکی ہے رب میرے کو جو سب سے برتر ہے
حال میگوید که تو پاکی و پروردهٔ برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را
بخاک افگنم اگر تکرار[16] تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که
هیچکس برابر او نیست و من و همه پیش او نهایت عاجزانه و همین خضوع است
اکنون الله اکبر[17] گویان سر بردارد و دو زانو نشیند که پنجهٔ پای راست

ایستادہ باشند و انگشتہا پشتِ قبلہ رو بر زمین باشند و پنجہ چپ زیر خود

بگسترانند و نظر و ہر دو دست بر فخذین دارد و انگشتان قبلہ رو و زن ہر

دو قدم خود جانب راست بیرون گذارد این را جلسہ نامند و بخوانند

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي

ای اللہ بخش دی گناہ میرے اور مہربان ہو مجھپر اور اچھا رستہ بتا مجھکو اور روزی دی مجھکو

وَارْفَعْنِي وَاجْبُرْنِي

اور مرتبہ دی مجھکو اور نقصان سے بچا مجھکو

این شکرانہ ادا کردہ باز بدرگاہ پرداختہ بہرہ رزق و عزت میخواہد اکنون چون شان

قبول پیدا شد نتوانستن نشستن دگربارہ افتادہ جبین نیاز

بر زمین نہاد چنین طور سجدہ دیگر نماید این ہر دو سجدہ فرض اند باید

کہ ہر دو را پے در پے کند این یک رکعت شد ہمہ رکعات باین طور ادا کند چون

دو رکعت باتمام رساند بنشیند بہمان صورت کہ در جلسہ نشستہ بود و خواند بخفیہ

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

عبادتین زبان کی واسطے اللہ ہین اور دعا عاجزی کی اور ادب پاکیزہ سلام پہونچے تجکو

اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا

ای نبی رحمت اللہ کی اور برکتین اوسکی سلام ہمپر

ف وجہ سنت ۱۲

ف فرض است ۱۲

ف وجہ سنت خواندن دعیہ بخفیہ خواندن ۱۲

ف التحیات تحفہ آنحضرت صلعم است کہ بندہ ادا کند

ف خداوند تعالی فرماید ۱۲

وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰہِ الصَّالِحِیْنَ ○ اَشْھَدُ اَنْ لَّآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ

اور اوپر صالحین بندگان خدا کے — مین گواہی دیتا ہون کہ کوئی لائق عبادت نہین سوا اللہ کے

وَاَشْھَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُہٗ وَرَسُوْلُہٗ ○

اور گواہی دیتا ہون مین کہ محمد صلعم بندے اوسکے ہین — اور رسول اوسکے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید آن کلام کہ بشب معراج باہم یگانہ

و محبوب بے ہمتا در میان آمدہ بود پس بدان کہ نماز برای ہر یکی ازین است مر مومن

بدرجہ معراج ہست مصلی را باید کہ خود را بحضور آن تعالی داند و این را قعدہ اولے

گویند اگر نیت چہار رکعت بود ہر دو رکعت و قعدہ را شفعہ نامند پس اگر نیت

برای چہارگانہ است برخیزد و تکبیر گویان کہ شروع مدکن از ین جا تا آن کہ

راست شود و قتیکہ تعداد رکعات موافق نیت تمام شود بنشیند کہ این را قعدہ

اخیرہ نامند اینجا بعد تشہد یعنے التحیات و درود را باو شامل کند و درود این ہست

این بار را ہم مخفی خواند اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی

ای اللہ درود بھیج اوپر محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ

اولاد محمد صلعم کے جیسے کہ رحمت بھیجی تونے اوپر ابراہیم علیہ السلام کے

وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ؕ

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام کے تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اَللّٰهُمَّ بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ

ای اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونی

عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ؕ

اوپر ابراہیم علیہ السلام کے اور اوپر اولاد ابراہیم علیہ السلام کے بیشک تو تعریف والا بزرگ ہے

واین درود راچیست تو گوئی کہ چون فرشتگان این سوال وجواب کہ دلیل

نہایت حرمت است لشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شدہ

بودند الله الله برای ہر یک مصلی صد ناز پس وقت است کہ ہر التجا درجہ

بہ ہر انی یابد چون از کمال تحمید گویا گون فارغ شدہ وپس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود وبہترین از ینہا این ست

رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین بھلائی یعنی رزق اولاد نیک اور دی بیچ آخرت کی

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ؕ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ

نیکی کردیدار وفضل سے اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمہاری اور رحم

الله گوید و جانب راست سر بگرداند باز السلام علیکم ورحمة الله
گوید و جانب چپ سر بگرداند اکنون نماز تمام شد چون بعد سلام
نماز فرض وقت اجابت دعاست باید که بخشوع و خضوع بدعا مشغول شود
و هر چه خواهد طلب نماید الا آنچه لایق شان آن تعالی شانه باشد این سلام
بر فرشتگان و امام و مقتدیان است که امام بر مقتدیان و فرشتگان
سلام گوید و مقتدیان بر امام و فرشتگان و مقتدیان در سفر ظهر و عصر
و عشا دو دو رکعات باید خواند آنرا نماز قصر گویند—

سبق دهم در تعداد رکعتهای نماز پنجگانه از فرائض و سنن و نوافل

در نماز صبح چهار رکعات اند اول دو سنت اند مؤکده که ضرور خواند چنانکه اگر در جماعت
صرف امید یافتن یک رکعت دارد تا هم این ترک ننماید اما اگر وقت تنگ باشد
این را ترک کرده صرف فرض ادا کند و سنت بعدش ضرور نیست و دو رکعت فرض اند
اما در فرض او با جهر یعنی فاتحه و سوره را باآواز ظاهر خواند اگر تنها باشد خواهد جهر کند یا اخفا
در ظهر دوازده رکعات اند اول چهار سنت پس چهار فرض به اخفا باز دو رکعت

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چهار رکعت سنت اولی را تاخیر
کرده فرض و جماعت دریابد و بعدش این چهار گانه را ادا نماید اگر وقت
تنگ باشد فرض اول بخواند بعد این چهار رو دیگر را اگر وقت خارج
شده باشد والا سنت قضا کرده نمی شود و بیست نماز تفصیل است
نماز جمعه که وقتش وقت ظهر است فرض است بر هر مرد صحیح و مقیم
شروطهائیکه برای ادائیش باشند ششگانه اند که از انها یک جماعت است
که بدونش نماز جمعه ادا نخواهد شد یک خطبه است که آنحضرت صلعم بدو
خطبه میخواند اگر خطبه حاضر نباشد این تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ ۃ
پاک ہے اللہ سب عیبوں سے اور سب تعریف اللہ کو ہے اور کوئی معبود برحق نہیں مگر ایک سچا خدا اور اللہ سب سے بڑا ہے
قایم مقام خطبه تواند شد و درمیان هر دو خطبه وقفه خفیفه باید و بغیر دست برداشتن
دعا نماید که وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ بر رویش گفته آید و مردان
به صف درنشینند اولا خطبه خوانده شود بعده نماز جمعه دو رکعات با جهر رکعات
نماز جمعه دوازده باید خواند اول چهار سنن بعدش دوگانه جمعه با جماعت بعد
دو سنن دیگر و درین زمان که علما در وجود شروط ادای جمعه درین دیار اختلاف دارند

چہار رکعات فرض بہ نیت احتیاط جمعہ ہم ادا کردن خوبست اما در ہر چہار رکعات
فاتحہ وسورہ خواند اینہا دوازدہ رکعات شدند۔ در عصر چہار رکعات اند
فرض بلا جہر اما اگر پیش آنہا چہار یا دو رکعت سنت خواندہ شود بہتر است در مغرب
مغرب ہفت رکعت اند اول سہ گانہ فرض با جہر منفرد خواند خواہ جہر کند یا اخفا بعدہ
دو سنت و دو نفل باز اگر چہار رکعات یا شش نفل ہر دو رکعت بیک سلام ادا نماید
نیکوتر است و چہار رکعت بیک سلام ہم جائز است ونام این نفلہا صلوٰۃ اوابین است
در عشا اگر اولا چہار نفل خواند بہتر است بعدش چہارگانہ فرض ادا نماید امام باجہر
وتنہا ہر گونہ خواہد بعد ازان دو رکعت سنت برخواند و وتر خواندن کہ واجب است وقتش
در وقت عشا افتاد مع لحاظ ترتیب پس باید کہ بعدش سہ گانہ وتر ادا کند وبعدش
دو نفل خواند و بہتر است کہ این را نشستہ خواند چون بندہ این رکعات عشا را با جماعت
ادا کرد گویا کہ ہمہ شب در عبادت گذاشت اما اگر در عشا چہار نفل پیشین ادا نماید و
اکتفا کند بر چہار فرض و دو سنت و سہ گانہ وتر بعدش دو نفل ہم کافیست
وباید دانست کہ وتر سہ رکعات بیک نیت با اخفا وتر است بعد دو رکعت قعدہ کند

و در رکعت سوم بعد فاتحه و سوره رفع یدین کرده دعای قنوت مخفی خواند و بعد ازان
رکوع کند و قعدهٔ اخیره کرده سه گانه باتمام رساند رفع یدین این است که هر دو دست
تکبیر گویان تا نرمهٔ گوش برداشته بنهد چنانکه در تکبیر تحریمه گذشت در رمضان شریف
وتر با جماعت و هر سه رکعات با جهر خواند و قنوت مخفی و دعای قنوت این است

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ

ای اللہ تجھی سے مدد مانگتے ہیں اور تجھی سے بخشش مانگتے ہیں اور تجھی پر ایمان لاتے اور بھروسا کرتے ہیں تجھی پر

وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ

اور تیری ہی تعریف کرتے ہیں اچھی اور شکر کرتے ہیں تیرا اور ہرگز کفر نعمت تیری کا نہیں کرتے اور بیزار ہوتے ہیں اور چھوڑتے ہیں ہم اوسکو

مَنْ يَّفْجُرُكَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ

جو نافرمانی تیری کرے ای اللہ تیری ہی عبادت کرتے ہیں ہم اور تیری ہی نماز پڑھتے ہیں اور سجدہ کرتے ہیں

وَاِلَيْكَ نَسْعٰى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ وَنَخْشٰى

اور تیری ہی طرف دوڑتے ہیں اور جلدی کرتے ہیں اور امید رکھتے ہیں رحم تیری کی اور ڈرتے ہیں

عَذَابَكَ اِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ ۵

عذاب تیری سے بیشک عذاب تیرا کافروں سے ملنے والا ہے

سبق یازدهم در بیان بعض ضروریہ

جائز است ہمہ نماز در ریل اگر ایستادہ باشد تکلفی نیست اما وقتیکہ روان

باشد در ادا کردن نماز اگر برای قیام ریل انتظار کند بہتر است اگر خوف باشد

کہ در انتظار وقت از دست میرود باید کہ نماز گذارد و احتیاطاً بعد فرود

آمدن از ریل قضایش کند برای نماز فرض قبلہ متعین کردہ نیت کند بعدہ

اگر ریل برگردد مضائقہ ندارد خود ہم بگردد و برای نفل بہ سواری بیرون

از شہر تعین قبلہ ضرور نیست متنفل مختار است کہ ایستادہ گذارد یا نشستہ

از نمازہای واجبہ نماز عید الفطر و ضحی و تراویح در رمضان

شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر و الضحی دو دو رکعات

باشش شش تکبیرات اند برای شان نیت کند کہ نیت میکنم

برای نماز عید الفطر یا عید الضحی

باشش تکبیرات باقتدای این امام بعد تکبیر

تحریمہ ثنا خواندہ ۳ تکبیر بگوید چنانکہ بر ہر تکبیر رفع یدین کند

اما درمیان تکبیرها بہ بندد دراین چہار تکبیرات شدند اکنون دستہا بندد
و نماز شروع کند و قبل رکوع ثلاثہ تکبیرات گوید چنانکہ در رکعت
اولی گفتہ شد بعدہ چہارم تکبیر گویان رکوع کند بعدہ نماز بدستور تمام کند
و بعد نماز خطبہ است **نماز تراویح** بست رکعات اند بدہ سلام در ماہ
رمضان شریف در وقت عشا تا ختم قرآن مجید سنت موکدہ است کہ حضرت عمر
رضی اللہ عنہ بر تارک آنہا حکم جہاد فرمودہ اند چند وقت اند کہ درآن
نماز و سجدہ منع است وآن وقت طلوع و زوال و غروب
آفتاب است مگر عصر آن روز و درمیان نماز عصر و مغرب چند وقت اند کہ در آنہا
نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمہ شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح
صادق تہجد است کہ آنحضرت صلعم گاہی ترک نفرمودہ این از دو از دہ
رکعات تا چہار رکعات است و بعد یک نیزہ بر خیزیدن آفتاب
چہارگانہ نفل است چنانچہ نماز فجر خواندہ در ذکر ماندہ تا این چہارگانہ
ادا نکردہ باشد در شغل دنیا میل نہ نماید تا ثواب یک حج

وعمره یابد این را اشراق گویند و بعد یکپاس روز چهارگانه دیگر است

که چاشت نامند توفیق رفیق باد که این همه ادا کرده آیند به جهر رواست در

همه نوافل در شب شود و در روز نماز و در شب تا هشت رکعات به چهار قعده بیک

نیت رواست اما در روز از چهارگانه نفل به دو قعده و یک نیت جائز نیست مقتدی

در هر نماز خاموش ایستاده قرآن امام شنود و قرآن نخواند اما اگر فاتحه خواند

خوب است که آنحضرت فرموده اند لَا صَلٰوةَ اِلَّا بِفَاتِحَةِ

الْکِتَابِ و اقتدای امام کند و در هیچ رکنے پیشی نگیرد

در نوافل شب بغیر تداعی و در قضا هم امامت رواست

سبق دوازدهم در شرکت جماعت

یعنی وقتیکه جماعت قایم است یا شخصے فرض ادا میکند و کسی با اینها شرکت

میخواهد او را باید که تکبیر گوید و شریک شده اقتدای امام کند اگر امام پیش

جماعت ایستاده باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف بایستد و سبحانک

اللهم بخواند وقتیکه امام نماز تمام کند و سلام دهد مسبوق مقتدی

را باید که بعد سلام امام برخاسته باقی نماز را باتمام رساند بدین طور که اگر
از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از
شفعهٔ آخری چیزی مانده با سوره تمام نماید اگر شخصی تنها در نماز باشد مسبوق را
باید که وقت شریک شدن تکبیر با جهر گوید تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت
کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست چیزی پیش ایستاده شود
اگر این شخص تنها که امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق
تکبیر جهری گوید معلوم شد که فرض ادا نماید پس باقتدائش پردازد و اگر
تکبیر مخفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدائش نکند . و اگر امام در رکوع است
یا در سجده وغیره باید که مسبوق نیت کرده هر دو دست لحظه بر بسته در همان رکن
شریک شود که امام در وی است و هرگز انتظار قیام امام نکشد وقتیکه مسبوق نماز
بقیه خود را ادا کردن شروع نماید در اولش ثنا خواند اگر یک مقتدی باشد و دیگری
نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و همه دو برابر
پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستد

و امام البتہ جای خود پیش قدمی کند و همین بهتر است

سبق سیزدهم در سجدۂ سهو

آن دو سجده کردن است با تشهد و درود و دعا یعنے بعد تشهد یک سلام کرده دو سجده کند و بعده تشهد و درود و دعا خوانده نماز تمام کند در نمازے که سجدۂ سهو لازم شود اگر ادا نکند اصل فرض از ذمه ساقط شود لیکن اعادۂ آن نماز بر ذمه واجب می ماند و آن در تاخیر رکن فرض و در ترک واجب واجب می شود تاخیر فرض آن است که مثلاً بعد یک رکعت بقدر ادای یک رکن یا زیاده بنشست سجده سهو کند یا در قعدۂ اولیٰ بعد خواندن تشهد برای برخاستن تاخیر کرده درود تا اللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ خواند سجده سهو کند ترک واجب آنست مثلاً ترتیب ساقط کردن چنانچه سوره قبل فاتحه خواند یا سجده بر رکوع مقدم ساخت یا بعد فاتحه سوره نیامیخت یا قومه یا جلسه یا قعده اولیٰ نکرد یا نماز بلفظ السلام تمام نکرد و اندرین صورتها سجده سهو کند و از ینها یک خطا باشد

یا تر یادہ سجدۂ سہو یکبار کردہ خواہد شد اگر تسبیحات رکوع وسجود ودعائی قومہ وجلسہ

وتشہد ودرود کہ مخفض اند بآواز مسموعی برخواند اگر قرات خفی را بالجہر

یا جہری را باخفا ادا کرد قلیل یا کثیر سجدۂ سہو کند سجدۂ سہو

لازم نباشد البتہ در جہر تشہد بعض فقہا بلزوم سجدۂ سہو قائل اند

سبق چہاردہم در مفسدات ومکروہات نماز

مفسدات اگر ترک کردہ فرضے یا زائد کردہ عملی کہ منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً

قیام یا رکوع یا سجدہ یا قعدہ اخری نکرد یا خندید نماز فاسد شد یا در سجدہ

انگشتہای ہر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد

نماز فاسد شد یا سر وسینہ از قبلہ بگردید یا تنحنح یعنے آواز از حلق برائے

صاف کردن صوت کہ از حروف اُح اُح بلا عذر وبلا غرض صحیح کرد

یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پے درپے اند یا

حرکتے کہ نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بیندہ معلوم شود کہ حرکت کنندہ

در نماز نیست واین صحیح ترین اقوال است مکروہات در نماز ہر یک پا ایستادن

و پارچه پوشیدن حقیر و ذلیل با وجود بودن پارچه خوب و عزیز و یا ردا بر دوش داشتن گوشه‌هایش رها کردن و نماز را در شدت حاجات ضروریه یا در اشتهای سخت طعام و آب با وجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه سر نماز گزاردن اگر تواضعاً نباشد و خاک و خاشاک از جای سجده صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

سبق پانزدهم در دعاها و عملها

باید که بعد نماز بدعا مشغول شود هر چه که لائق خواستن از آن بارگاه باشد برجوع قلب استدعا نماید که دعای مؤمن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد در آخرت ضرور اجر عظیم بدست آید و خاص اوقات قبول این است بعد نماز فرض و در ثلث آخر شب و در میان نشستن امام بر منبر برای خطبهٔ نماز جمعه تا ختم نماز و در میان ماه رمضان مبارک خصوصاً وقت افطار و قبل غروب روز جمعه و در مرض و در سفر و غائبانه برای غائب ظهورش بوقت مقرره در علم الهی موقوف است و نیز بشروط مشروط ادعیه که در قرآن مجید و فرقان حمید

آمدہ اند بہتر از خوب و مرغوب بندہ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ

اى رب ہمارے نہ پکڑ ہمکو اگر ہم بھول گئے یا چوک گئے

أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ

اى رب ہمارے مت ڈال اوپر ہمارے بوجھ جیسا کہ رکھا تونے اوسکو اوپر اونکی کہ تھے

مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۚ وَاعْفُ

جو ہم سے پہلے تھے اى پالنے والے ہمارے اور مت رکھوا ہم پر وہ چیز کہ جسکی ہم مین طاقت نہین اور معاف کر

عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

ہم سے اور بخشش کرو واسطے ہمارے اور رحم کر ہم پر تو کارساز ہمارا ہے پس تو مدد کر ہماری قوم

الْكَافِرِينَ ۵ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

کافرون پر اى رب ہمارے مت ٹیڑھے کر ہمارے دلونکو بعد اسکے کہ ہدایت دی تونے

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۵

اور دی تونے ہمکو اپنی پاس سے رحمت بیشک تو بڑا ہی دینی والا ہے۔

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا

اى رب ہمارے ظلم کیا ہمنے اپنی جانون پر اگر نہ بخشی گا تو ہمارے گناہ

وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝ رَبَّنَآ اِنَّنَا

اور نہ رحم کریگا ہمپر بیشک ہم ہوجاوینگے تباہ دنیا و دین مین ای پالنے والی ہمارے تحقیق ہمنے

سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا

سنا پکارنیوالے کو کہ ایمان کیطرف پکارتا ہے کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لائے ہم

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے پس بخش ہمارے گناہ اور دور کر ہمسے برائیان ہماری اور مار ہمکو

مَعَ الْاَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ

ساتھہ نیکون کے ای رب ہمارے دی تو ہمکو وہ چیز جسکا تونے وعدہ کیا ہے ہمسے اپنی رسولون کی معرفت

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

اور مت رسوا کر ہمکو دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہین ہے وعدہ

رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین نیکی اور آخرت مین

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ رَبَّنَا تَقَبَّلْ

نیکی اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ واین غیرازقران دعاہائے
ہمسے ہماری کام تحقیق تو سننی والا جاننی والا ہے
ماثورہ ست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى
ای اللہ درود بھیج اوپر سردار ہمارے محمد صلعم کے اور اوپر
اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُنْجِيْنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ
اولاد سردار ہمارے محمد صلعم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہمکو اوسکی برکت سے تمام دہشتون
الْاَهْوَالِ وَالْاٰفَاتِ وَتَقْضِيْ لَنَا بِهَا جَمِيْعَ
دنیا اور آخرت کے اور دارین کی آفتون اور پوری کر ہماری اوسکی واسطے تمام
الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ السَّيِّئَاتِ
دونون جہان کی حاجتین اور پاک کردے ہمکو اوسکی برکت سبب برائیون سے
وَتَرْفَعُنَا بِهَا عِنْدَكَ اَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَ
اور بلند کر ہمکو اوسکے سبب اپنی نزدیک بلند ترین درجات مین اور
تُبَلِّغُنَا بِهَا اَقْصَى الْغَايَاتِ مِنْ جَمِيْعِ الْخَيْرَاتِ
پہونچا ہمکو اسکی برکت سبب نہایت مطلبونپر تمام بھلائیون سے

فِی الْحَیٰوۃِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ

بیچ زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخر نہین تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قَدِیْرٌ ۵ و دیگر خوب است اَللّٰھُمَّ اغْفِرْ لِیْ وَلِوَالِدَیَّ

قدرت رکھنے والا ہے   ای اللہ بخش دی مجکو   اور میرے باپ دادا کو

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری مان دادیون اور نانیونکو   اور تمام مسلمانون   اور مسلمانیون کو

اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْمُجِیْبُ الدَّعْوَاتِ ۵ وظائف

البتہ تو سننی والا   قبول کرنیوالا دعاؤنکا ہے

باید کہ بخواند این را بعد ہر نماز فرض و این را آیۃ الکرسی میگویند کہ برای حفاظت

جان و مال مجرب است و خواندنش بعد ہر فرض در حدیث شریف وارد شدہ

اَللّٰہُ لَآ اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ اَلْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ۵ لَا تَاْخُذُہٗ سِنَۃٌ

اللہ ہی ہے کہ نہین کوئی معبود سچا سوا اوسکے زندہ تھامنی والا   نہین لگتی اوسکو اونگھہ

وَّلَا نَوْمٌ لَہٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ

اور نہ نیند   اوسی کی ہے ہر چیز جو آسمانون اور زمین مین ہے

فائدہ: ... ابن راصلوۃ ... پسند ۱۲

فائدہ: از ابوداود ... جو شخص ۳۴ بار ... استغفار کرتا ہے ... قبول ہوتی ہے ... رزق ...

فائدہ: از روایت ابو امامہ ... جو شخص ... بعد ہر فرض ... پڑھیگا ... دخول جنت ... نہ رہیگی ۱۲

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ؕ يَعْلَمُ

کون ہے ایسا جو شفاعت کرے اوسکے حضور مین مگر اوسیکے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۚ وَلَا يُحِيْطُوْنَ

وہ شی جو آگے اون کے ہے اور جو پیچھے اون کے ہے اور نہین گھیر سکتے لوگ

بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچھہ اوسکے علم سے مگر جسقدر وہی چاہا گھیر لیا ہے کرسی یعنی بادشاہی اوسکے نے آسمانون

وَالْاَرْضَ ۚ وَلَا يَئُوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ۝

اور زمین کو اور نہین تھکاتی اوسکو نگہبانی اونکی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شد دیگر این است کہ از ثواب او زمین و آسمان پر شوند سُبْحَانَ اللّٰهِ

پاک ہے اللہ شرک سے

سی و سہ بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سی و سہ بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ سی و چہار بار بعد

سب تعریف اللہ کو ہے — اللہ سب سے بڑا ہے

ہر نماز فریضہ و ہم وقت خواب شب بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

شروع کرتا ہون مین اللہ کے نام کے ساتھہ ایسا ہے وہ

يَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ

کہ نہین نقصان پہونچا سکتے اوسکے نام کے ساتھہ کوئی چیز بیچ زمین کے ہو یا بیچ آسمانون کے

۵ از روایت عثمان رض جو کوئی اسکو تین بار بعد نماز مغرب و فجر کے پڑہا اوسکو کوئی چیز اوس روز نقصان نہ پہونچا سکیگی

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٥ سہ سہ بار بعد نماز مغرب و فجر کہ درہمہ
اور وہ سننے والا دعا کا اور جاننے والا ہر ایک کا ہے۔

شب و از صبح تا شام از ہمہ آفات محفوظ ماند و نیز بخواند بعد نماز صبح و مغرب سہ سہ بار

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيمِ ٥
پناہ مانگتا ہوں ساتھ برکت نام اللہ کے سننے والا جاننے والا ہے برائی شیطان مردود سے

و یک بار هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
وہ ہی ہے اللہ وہ اللہ کہ نہیں کوئی معبود مگر وہ جاننے والا پوشیدہ کا

وَالشَّهَادَةِ تا ختم سورہ حشر کہ ثوابش در حدیث شریف بسیار آمدہ
اور ظاہر کا

و نیز در حدیث شریف صبح و شام خواندن اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ
پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ کلمات

اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وارد شدہ و بخواندن صبح و شام
اللہ کے پورے میں برائی ہر چیز پیدا کی ہوئی سے

یک یک بار سورہ کافرون قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ
کہہ اے محمد صلعم اے کافرو میں نہیں پوجتا اس چیز کو

۵۲ از روایت ابو ہریرہ رض جو کوئی اسکو پڑھیگا شام کو [illegible] نہ لگیگا ۱۲ ۱۲

مَا تَعْبُدُوْنَ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ

کہ جسکو تم پوجتے ہو اور نہ تم پوجنے والے ہو جسکو میں عبادت کرتا ہون

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ

اور نہ میں عبادت کرنیوالا ہون اوسکو جسکو تم پوجتے ہو اور نہ تم عبادت کرنیوالے ہو

مَآ اَعْبُدُ لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ

جسکی میں عبادت کرتا ہون تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرے واسطے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار خواند ثواب سالم یک قرآن یابد و بخواند بعد مغرب

و فجر سورہ اخلاص ۱۰ بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ احد

تا آخر بخواند معوذتین ۳ بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ

کہہ اے محمد صلعم پناہ پکڑتا ہون ساتھ پیدا کرنیوالے صبح کے اوس چیز سے جسکو اوسنے پیدا کی اور برائی ڈہانک لینے والے

غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ

رات سے جسوقت ڈہانکے اور برائی پہونکنے والیون سے بیچ گرہون کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ۵ قُلْ اَعُوْذُ

اور برائی حاسد کی سے جسوقت کہ حسد کرے کہہ ای محمد صلعم پناہ مانگتا ہون مین

بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ

ساتھہ پالنے والے لوگون کے بادشاہ لوگون کے معبود لوگون کے

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۵ الَّذِيْ يُوَسْوِسُ

برائی وسوسہ ڈالنے والے پیچھے ہٹ جانیوالے کے سے وہ جو وسوسہ ڈالتاہے

فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۵

بیچ سینون لوگون کے جنون مین سے یا آدمیون مین سے

از آیۃ الکرسی تا اینجا ہشت عدد وظیفہ ہست بعد نماز مغرب وصبح بمقدار دنکو شش

ہر روز بلاناغہ بخواند تا از ہمہ بلیات وآفات دنیوی واخروی او تعالی

مامون دارد انشاء اللہ تعالے

نصایح حمیدہ واخلاق پسندیدہ سلمہ فی حفظہ

اسعدک اللہ تعالی فی الدارین سترک بخدای یگانہ میباش

و مادر را رحمتی بزرگ از منعم حقیقی شمار که او را باعث حیات تو گردانید
و در نکوئی بمادر ترا ثواب حج و عمره و جهاد بخشیده ٥ جنت که رضای
مادران است ÷ در زیر قدوم مادران است۔ حکم پدر بجا آر و بیدار
باش که گاہی جور بلفظ اُف هم با ایشان از تو نرسد۔ و بدان که رضای
مالک حقیقی بر رضای ایشان است۔ نماز پنجگانه را بپا دار و به هیچ حالت
مگذار ٥ روز محشر که جانگداز بود ÷ اولین پرستش نماز بود + روزه های
رمضان ادا کن و زکاة مال بده و اینجا خوب گفته شعر زکوة مال ادا کن که
فضله رز را ÷ چو باغبان ببرد بیشتر دهد انگور + و حج را بوجود شرط
از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود بنه۔ وقتیکه توانی بوالدین
خود احسان کن۔ وقتیکه او شان ناتوان شوند بازوی شفقت زیر پای ایشان
بگستر و اقارب خود را یگانه بدار چون عقارب مشمار۔ حق همسایه و مسکین و مسافر
و ماتحت خود به نکوئی بده۔ و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف
است و تبذیر۔ و مبذرین برادران شیطان حقیر هر که این خصلت بد را

کند انجامش بندامت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بنام
خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدهی رواست اگر وثوق داری که هرچه برتو
بگذرد همراه صابر باشی و حاجت خود را نزد کسے نبری و کسی را بر حاجت خود مطلع نگردانی
والا توسط اولی است ای فرزند هوش دار که شیطان دشمن پایدار است هرچه
که اراده بد در دل خود یابی از و پرهیز که آن از شیطان است تا توانی بگریز
بخل در انفاق خود مکن که این برادر اسراف است و بدترین صفات اشراف
در هر کار میانه رو باش تا که در دارین خوش باشی و بشاش - ای فرزند بکشتن جان خود را
اراده هیچ نیست که این کار بسیار زبون و سخت است و نزد بدکاری و زنا مرو که بیحیائی و شرمساری است
و اراده مال کسی ناحق گرفتن بدل میار چه این فعلیست که حق تعالی از و بیزار است
وطمع بیکار ع طمع را سه حرف است هر سه تهی - آنچه که بگوئی بجا آر
ورنه عهد شکنی است و این هر جا بے اعتبار - از غیبت و تمامی اجتناب بگیر
و از کسی گوش مدار و بدروغ و تهمت مشدار - بدی کسی پیش تو آرد راست مشمار
تا وقتیکه بپای ثبوت نه آید و هر که دیگران را بد گوید او را بیرانی هر که

عیب دگران پیش تو آورد شمرد :. بیگمان عیب تو پیش دگران خواهد برد
زنهار تکبر میار یعنی خود را نیکو و کلان و بزرگ مشمار و دیگران را از خود
ذلیل و خوار که معلم الملکوت ازین راه از بالا افتاده و کلاه عزت بهوای مذلت
در داده - هر که چون کبر و ریا برزید در عالم کبریا نپرید ه تکبر مکن زنهار ای
پسرها که گردد ز دستش دوتائی بسر - ای فرزند خودبینی و خودنمائی مکن که این
خلاف واقع مثل شان اهلیت و هر که ازین دو رهست از خوبی دولت محروم است
تبختر مخرام که این حرامست اگر تکبر تبختر میکنی نه توانی که زمین را از پا بکنی و سر از
آسمان ببری - ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن که ترا نعمت فزاید و بجا آن کار بجز نیاید
گو این کار نیست دشوار که حق حق تعالی بیشمار است کی توانی که از ذمه اش برآئی
ه از دست و زبان که برآید :. کز عهده شکرش بدر آید :. شکر این است
که بر هر نعمت از زبان اقرارش نمائی و دل را از آن بشناسش داری و اعضا را
هر وقت والی کارش باز نداری و دست و پای بکارش فرسائی هرچه که از و رسد بآن
خوش باشی اگر ناگوار داری و از و راضی نشوی ضرور است که از ملک او تعالی

بیرون روی از زمینش بدر شو و از سایه آسمان بیرون رو که کفران نعمت
همین است هشدار این مکن و از وی پرهیز گر در دلت کز آن انعامات الهی در آید
نور ایمان و نعمت خداوند سبحان فزاید ای فرزند تا توانی بزرگان را ادب پیش آید
و خوردان را به شفقت خوش دار شعر ادب تاجیست از لطف الهی بنه بر سر
برو هر جا که خواهی - این را به نفس خود خیال که آنچه بر خود نپسندی بر دیگران
پسند مشو به همه خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روئی بگذار چون بر تو
پاشیده اند تو بر خلق پاش شیوه مردمی و مروت را شعار خود ساز به هیچ نکوئی خود منال
دوست و دشمن را به نیک روش خود شاد کن و خندان و دوستان و دشمنان را
از کار خود مرنجان تا او شان دوستی افزایند و ایشان از دشمنی باز آیند
شعر آسائش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان تلطف با دشمنان مدارا
ای فرزند در همه حال قایم مزاج باشی تلون را از خود رها سازی هر قدر سختی که پیش آید
شود به دل مشو بسهولت و دانائی گوارا کرده به دفع آن بکوش تا وقتی آید که
از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران نعمت است و هم

سبب غضب الهی و باعث خوشنودی دشمنان - جائیکه پند بشنوی یا به
بینی آنرا بپسند - آنچه امر حق خوانده و یا بخوانی خود را بعملش بند مثل آن
حمار مباش که انبار حکمت بردارد اما هیچ نفعی ازو حاصل نسازد - دروغگو
و خورنده قسم مباش که بی اعتبار خواهی شد و مردی که بی اعتبار است در چشم
مردمان خوار است قناعت پیشه کن که بهترین صفت مردمی است و موجب
راحت دنیا و باعث مسرت در عقبی - جای خود نگهدار و جاهی را از دست
مگذار - از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنه و نخوت کبر را
بخود راه مده و در همه جا خود را کمترین خلایق شمر - اما با متکبران
عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر ممدار از حسد چون
درنده بگریز که آتش است جان سوز - این کیمیاست دوستان را
بیاموز - آنچه که گوئی بتامل گوئی که اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک
نباشد چون تیر از دست رفته باز نیاید و حسرت بدست آید از صحبت
بدان بگریز چون گوسفندان از گرگ ... ان که دین و ایمان را

بے نور سازد و فہم و فراست از تو بر باید ۵ صحبت صالح ترا
صالح کند ❊ صحبت طالح ترا طالح کند ۔ راز خود را جز دوست
خالص گفتن خود را در ورطۂ ندامت انداختن است اگر گوئی حسرت
بری و باز آئی ثمر ندامت بری دوست را از دشمنان برآوردن
کار دشوار است که دوست کیاب است و دشمن دوست نما
بسیار کار شایسته بے مشورۂ دوست مکن ۵ در چنین
کار مشورت باید ❊ کار بے مشورت نکو ناید ۔ ای فرزند از انچه
که داری تا توانی حاجت خلق برآر تا ضرورتهای تو برآید
خدا را بر تو باشد ❊ تو بر خلق باش چشم از عیب پوشیدن
و سیرت عفو گرفتن فرزانگی است و در حالت غضب
غیظ را فرو خوردن مردانگی است صلی الله تعالی علی خیر خلقه
محمد و آله و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین ❊ ❊ ❊ ❊

تمت

مژدۂ خاتمۃ الطبع

۱۲۹۹ھ

بزبان ہزار شکر ایزد رحمن و نعت بجا و بیشمار نبی نیکو نہاد - و منقبت آل اطہار
و مصاحب اصحاب کبار کے بعد محمد حسین متصرم پرچہ دبدبۂ سکندری - پسند طبع یاران
خدمت پاک دیدہ افہام مین - گذارش پرداز انشراح ہے - کہ اندنون کتاب دار العبادت
مسمی بہ تعلیم صبیان نام پیکر اقبال - واسطے فائدہ عام انواع عواطف ہونہار
اطفال اسلام ہو پائی ہے - کہ اسکو پڑھکر مسائل دین سے جو رکن اول جلوہ گاہ ایمان
آگاہ حقائق ہو کر علم معاش کیطرف - متوجہ ہون بنا بر انطباع کامل اس مطبع مین آئی
اور بتوجہ حکم کشاف حقائق - قدر دان جہان یکتائی بے ہمتا - فیض رسان اہل عطا -
جلیل افتخار - گل گلستان خاندان - نہال فا نواب یمین محمد خان بہادر
رئیس معتبر کہ دار الاقبال نیر اعظم ال - دام اقبالہ و شوکتہ الی یوم اد رو نما
مطبع منشور دبدبۂ سکندری رام پور مین - ماہ فیروز مند ربیع الثانی - زیور احسن انطباع سے پیراستہ ہوئی
بار دوم البا مولف نامدار کی سعی کا سپاس فرما - اور کتاب مقبول طبائع اطہر کر -
بحرمت النبی و آلہ الامجاد و اصحاب مناہج سداد - تمام شد التماس

٢٢ | ٦٧

۳۳ت ف ۲۹۷۰۷

۴۴۶۷

Date	No.	Date	No.